



بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی - 4 / شهریور / 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه، همان طوری است که از يك جلسه ی دانشجویی و جوان انتظار می‌رود. آنچه که گفته شد - که البته سخنان متقن و دقیق و نو توی حرفهای این برادران و خواهرانی که صحبت کردند، بود؛ تحلیلهای درستی بود - انسان وقتی نگاه کلی به همه ی اینها میکند، شاخصه ی اصلی این حرفها، صفا و صداقت و دوری از مجامله و همان چیزهائی است که از يك جوان، آن هم جوان درس خوانده و تحصیلکرده و نخبه انتظار می‌رود. البته شما همه ی دانشجویهای کشور نیستید؛ شاید نماینده ی همه ی تفکرات گوناگون و سلائق مختلف دانشجویی هم نباشید؛ لیکن شکی نیست که يك مجموعه ی عظیمی از دانشجویان، آنچنان می‌اندیشند که شما اینجا بیان کردید؛ با اختلاف نظرهائی که احیاناً در اظهارات شما بود.

من، هم با شما جوانهائی که اینجا تشریف دارید، هم با مجموعه ی دانشجویهای کشور حرفهای زیادی دارم، و گفته ام هم؛ باز هم تا من توان داشته باشم و بتوانم حرف بزنم، با شما جوانهائی عزیز حرف خواهیم زد؛ و مطمئنم آنچه که آینده ی این کشور را، بلکه آینده ی اسلام و امت اسلامی را تأمین میکند، همین روحیه ی جوشنده ی پژوهنده ی طلبگار پراحساس و پرعاطفه ای است که انسان در مجموعه ی نسل جوان دانشجوی کشور مشاهده میکند. یعنی شما ولو حالا ممکن است يك مطلبی را به طور قاطع معتقد نباشید، یا عمیقاً برای او استدلال نداشته باشید، اما مجموعه ی حرکت دانشجویهای مسلمان و مؤمن - با اختلاف نامها - در کل کشورمان يك نویدی برای آینده ی این کشور و آینده ی این نظام و آینده ی امت اسلامی است. خوب چیزهائی را مورد توجه قرار میدهید؛ خوب نکاتی را رویش تکیه میکنید؛ بر روی نکات درستی پیگیری و پافشاری میکنید؛ این نقاط مثبتی است که بحمدالله وجود دارد.

خوب، حالا من بعضی از مطالبی را که جنبه ی سؤال از من داشت یا فکر میکنم من باید توضیحی بدهم، اینها را چند دقیقه ای بگویم، بعد هم یکی دو تا مطلب دیگر در ذهنم هست که اگر وقت بود و به اذان نرسیدیم، عرض خواهیم کرد.

يك بخش مهمی توی بیانات چند نفر از دوستانمان بود که اشاره داشت به مجرمانی که پشت پرده ی حوادث اخیر حضور داشتند، و اینکه چرا اینها محاکمه نمیشوند، چرا مجازات نمیشوند، چرا با اینها برخورد نمیشود. من به شما عرض بکنم؛ در قضیاتی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و این چیزها نمیشود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول مجاهدت يك ملت بزرگ و فداکاری های عظیم جوانانی میدانیم که چه در دوره ی انقلاب، چه در دوره ی دفاع مقدس، چه بعد از آن تا امروز فداکاری کردند؛ مثل خود شماها، که در صحنه های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگی انجام میگیرد. نمیتوانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم. این را شما بدانید، هیچگونه اغمازی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت؛ منتها ما - یا من یا شما، فرق نمیکند؛ چه شما که دانشجو هستید و زیانتان باز است و راحت حرف میزنید، چه من که يك مجموعه ای از تجربه و سالهای متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم؛ در این جهت با هم فرقی نداریم - نمیتوانیم حکم کنیم که باید دستگاه



قضا اینجور قضاوت کند؛ نه، دستگاه قضا باید نگاه کند، اگر دلائلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه ی سیاسی، چه در زمینه ی اقتصادی، چه در زمینه ی مفاصد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده اید، بنده هم خیلی از این شایعات را می شنوم؛ ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قرائنی هم برایش داشته باشد؛ اما قرینه و شاهد متفرق نمیتواند جرمی را علیه کسی اثبات کند؛ به این نکته توجه داشته باشید. لذا اینجور نیست که فرض کنیم يك مجرم قطعی پشت پرده ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به يك دلیلی بگذرد. این يك نکته.

نکته ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام میدهد، بایستی با ملاحظه ی همه ی جوانب باشد؛ يك بعدی نمیشود به مسائل نگاه کرد. فکر میکنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده انجام خواهد گرفت، هر ذهن باانصافی را قانع خواهد کرد.

موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل - حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده - یا مثلاً قضیه ی کهریزک را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه های اجرائی است. اولاً این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمیخواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه ها پخش بشود، باز يك پیوست زده بشود، باز يك پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته ایم پرونده ی ویژه ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من به طور قاطع گفتم.

من از فعالیتهای پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی مان، دستگاه بسیج مان تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این يك بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها يك تخلفی انجام داده، يك جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم؛ حتماً باید دنبال بشود و دنبال خواهد شد. همین طور قضیه ی کهریزک، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه ی کوی دانشگاه هم دنبال میشود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند - تعداد معدودی هستند - یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند. بنا شده برای هر کدام اینها پرونده ی جداگانه ای تشکیل بدهند. دستور داده ایم، گفته ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد؛ منتها توجه کنید که این مسائل هیچکدام نباید با مسئله ی اصلی بعد از انتخابات خلط شود. حادثه ی اصلی نباید تحت الشعاع این حوادث قرار بگیرد.

يك عده ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل ملتها به وسیله ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسئله ی



فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه ی کوی را قضیه ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند ؛ این خودش يك ظلم دیگر است. مسئله ی اصلی، مسئله ی دیگری است. مسئله ی اصلی این است که مردم در يك حرکت عظیمی، در يك انتخابات پرشور خوب کم نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی در پی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین المللی برای خودش کسب کرده بود، در يك مرحله ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم يك حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه ی افتخارآمیز! مسئله ی اصلی این است.

البته اینی که عرض میکنم، تحلیل است ؛ خبر نیست. به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده ؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست نشانده ی بیگانه هاینده یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست ؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم - اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، يك جریانی بود طراحی شده ؛ تصادفی نبود. همه ی نشانه ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت.

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضی ها شروع شد، يك تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند ؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدید که این دستگاه ها و وسائل رسانه ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند ؛ صریح وارد میدان شدند. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد ؛ بعد دیدند نه، گرفت ؛ لذا سریع وارد میدان شدند ؛ منتها خوشبختانه مثل همیشه که مسائل ایران را بد میفهمند و ملت ایران را نمیشناسند، این دفعه هم شناختند. اینها تودهنی خوردند، سیلی خوردند، ولی هنوز ناامید نیستند. من به شما عرض کنم دانشجویهای عزیز! اینها ناامید نیستند ؛ دارند قضایا را دنبال میکنند ؛ به این زودی هم زمین نمیگذارند. اینها صحنه گردانهائی دارند، صحنه گردانهائی هم پیدا خواهند کرد.

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی که به کشورش علاقه مند است و دانشجویی که به آینده ی کشور و آینده ی نسل خودش دل بسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طراحی میکنند ؛ البته شکست میخورند. من الان به شما عرض میکنم، اینها در نهایت شکست میخورند ؛ اما درجه ی بیداری و هوشیاری من و شما میتواند در میزان خسارت و ضرری که وارد میکنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمیتوانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود ؛ ولو در نهایت موفق نخواهند شد.

یکی دیگر از موضوعاتی که مطرح شد، مسئله ی حمایتهای رهبری است از دولت یا از رئیس جمهور. خوب، این مطلب روشنی است. اتفاقاً یکی دو تا از خود دوستان هم بیان کردند. دولت کنونی و رئیس جمهور محترم مثل همه ی انسانهای عالم، يك نقاط قوتی دارد، يك نقاط ضعفی. من که حمایت کردم، از نقاط قوت حمایت کردم. يك نقاط قوتی وجود دارد، من از آن حمایت میکنم ؛ در هر کی باشد، حمایت میکنم. کی هست که این گرایش، این جهتگیری، این تحرك، این جدیت را از خودش نشان بدهد و بنده در حد مسئولیتم از او حمایت نکنم؟ از شما دانشجویها که دنبال عدالتید، من حمایت نمیکنم؟ خوب، چرا. آیا اگر از دانشجویی که عدالت خواه است و دنبال



عدالت است، رهبری حمایت بکند، این معنایش این است که از نقاط ضعفی هم که احیاناً توی آن دانشجو هست، انسان حمایت میکند؟ مسلماً نه. قضیه این است. يك نقاط ضعفی وجود دارد، آن نقاط ضعف را بنده حمایت نمیکنم.

حالا یکی از سؤاها این بود که چرا علنی موضع نمیگیرید؟ چون لازم نیست علنی موضع گرفتن؛ چه لزومی دارد؟ علنی موضع گرفتن نسبت به يك نقطه ی ضعف در يك مسؤل، شما خیال میکنید که چقدر كمك میکند به حل آن مشکل؟ هیچی. گاهی اوقات هست که انسان اگر يك چیزی را بدون علنی کردن دنبال علاجش باشد، بهتر علاج خواهد شد، تا اینکه يك چیزی را انسان جنجالی کند. بله، يك وقت هست که هیچ چاره ای جز علنی شدن نیست؛ آنجا بله، انسان علنی میکند؛ لیکن اینجور نیست که تصور بشود اگر چنانچه يك ایرادی، اشکالی در مجموعه ی مسئولین اجرائی کشور وجود دارد و رهبری با آنها مخالف است، حتماً بایستی این را در بلندگوها بیان کند؛ نه، گاهی اوقات مصلحت قطعی در این است که انسان يك چیزی را علنی نکند.

حالا اینجا نگوئید آقا حقیقت و مصلحت. این تقابل حقیقت و مصلحت جزو آن حرفهای محکم نیست. خود مصلحت هم یکی از حقائق است. اینجور نیست که هرچه اسم مصلحت رویش بود، این يك چیز منفی ای باشد. بعضی اینجور خیال میکنند: آقا مصلحت اندیشی میکنید؟ خوب، بله، گاهی انسان مصلحت اندیشی میکند. خود مصلحت اندیشی یکی از حقائق است که باید به آن توجه داشت؛ این جزو مسلمات و واضحات اسلام است. البته این مسئله حالا جای بحث و شکافتنش نیست، اما جزو مسلمات است. صلاح نیست گاهی اوقات انسان يك چیزی را علنی کند. فرض کنید يك نقطه ی اشکال کوچکی هست، این را ده برابر بزرگش کنند، مایه ی ناامیدی و مایه ی سیاه نمائی و اینها قرار بدهند؛ چه لزومی دارد؟ خوب، انسان این را به شکل دیگری حل میکند. بنابراین موضع نگرفتن علنی، ناشی از این علل منطقی و معقول است.

يك چیزی را هم حالا من بگویم، چون دیگر دارد وقت میگردد. ببینید عزیزان! شماها میدانید - چون دیدم در بیانات شماها هم هست - امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با يك جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم - که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبتهای شما جوانها هست و الحمدلله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه ی خوشحالی است - خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری اند. یعنی شما افسران جوان جبهه ی مقابله ی با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله ی با يك حرکت همه جانبه ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته ی علمی رسانه ای. باید با این جریان شیطنی خطرناک مقابله شود.

آنها برای حمله ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در يك نقطه ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیائی، یعنی این نقطه ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه - این حوزه ی عظیمی است دیگر - مجموعه ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه ی هرمز



است، کانال سوئز است، باب المندب است. اینها گذرگاه های مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه ی حساسی است. حالا در این منطقه ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزبه روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه ی خواسته های استکباری و دستگاه های کمپانی ها و شبکه های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه ی عظیم تری است که شامل اینهاست؛ شبکه ی صهیونیستی هست، شبکه ی تجاری اساسی بین المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولتها را اینها می آورند، اینها میبرند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت های اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه ی خودمان هستند، با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمیمانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه ای برسانید که امکان آسیب پذیری اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار میکشند و توطئه ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.

و همین جا به شما بگویم، مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان یک نقطه ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا بیایم بنشینم یک بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. حالا بامزه این است که ایشان میگویند توی یک جمله بیان کنید. معروف است یک نفری زمان شیخ انصاری پسرش را آورده بود نجف. دید طلبه ها درس میخوانند و ملا میشوند و شیخ انصاری هم خوب، شخص بزرگی بود؛ هوس کرد پسرش را طلبه کند. آمد به پیش شیخ انصاری، گفت شیخنا! این نوجوان را من آورده ام و خواهش میکنم تا فردا که میخواهیم راه بیفتیم برویم، شما او را فقیه کنید!

عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه ی جنگ نرم، یکی اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی تان به جای پدر بزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوشبینی - مواظب باشید نگاهتان به



آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده ای دارد» شد، به دنبالش بی عملی، به دنبالش بی تحرکی، به دنبالش انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن میخواهد.

شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرك و تندی است. این دوره ی زندگی شما را ما هم گذرانده ایم؛ آن هم در دورانهای انقلاب و اوائل مبارزات و اینها بوده. تندی را میدانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت میکردند که آقا تندی نکنید، ما میگفتیم که نمیفهمند چقدر لازم است تندی کردن. میدانم تصور شما چیست، اما حالا از ما بشنوید دیگر. مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمیبرد. با فکر، تصمیم بگیرید. البته جوان امروز از جوان دوره ی ما فکورتر است؛ این را به شما عرض بکنم. شما امروز جوانهایی هستید که تجربه تان، اطلاعاتان، آگاهی هایتان از آن دوره ی جوانی ما - از پنجاه سال پیش از این - خیلی بیشتر است؛ قابل مقایسه نیست با جوان امروز. بنابراین توقع اینکه شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست.

البته این را هم بدانید که آنچه در بعد از انتخابات اتفاق افتاد، با همان حسابی که عرض کردم، اصل قضایا خیلی خلاف انتظار ما نبود؛ اگرچه اشخاصی که وارد شدند، چرا، خلاف انتظارمان بود. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال يك فرصتی بدهد، بتوانیم باز با شماها يك وقتتهائی توی دانشگاهی، جائی صحبت بکنیم؛ حالا که مجال نشد.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته